

کارگر به کارفرما رسید، نتانیاهو با «ایران اینترنشنال» وگوگرد

مزدورها را فراموش نمی‌کنیم



محمدحسین سلطانی

خبرنگار

ما در خانه‌مان ماهواره نداشتیم. وقتی به پشت‌بام می‌رفتم و می‌دیدم به تعداد اهالی ساختمان دیش نصب شده همیشه تعجب می‌کردم. یادم است آن موقع تازه منوآت آمده بود و همه حزب‌اللهی‌ها احساس خطر کرده بودند که خانواده‌ها دارند از دست می‌روند. هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم پدر خدا بیمارم، یک روز سی‌دی مستندی را به من داد که تماشا کنم. رویش نوشته بود سرگردون و تصاویر رامبد جوان، اشکان خطیبی، مرحومه طاهر پور، مصطفی زمانی، لعیا زنگنه، رضا رشیدپور، پرویش نظریه، شهره سلطانی، مرحوم علی معلم، کوروش تهامی و خیلی‌های دیگر رویش نقش بسته و در ابتدای مستند از پریساخت‌آور (همسر اصغر فرهادی و کارگردان دایره زنگی) تشکر شده بود. از آنجایی که فن اشکان خطیبی و موهایش بودم، به محض گرفتن سسی‌دی آن را در ویدئوپلیر لاچانم انداختم و با چند بار کوبیدن روی دستگاه مادر مرده بالاخره مستند پخش شد. مستند هشدارهایی جدی می‌داد درباره ماهواره و اینکه چه بلایی دارد به سر مردم می‌آورد. مصطفی زمانی با یک ششال کردن که آن موقع‌ها برای تیپ‌های هنری از تان شب واجبتر بود، رو به روی محمد طادی نشسته و از این حرف می‌زد که خارج‌نشین‌ها با ماهواره هدف‌گذاری کرده‌اند و دارند مردم را هدف قرار می‌دهند، رامبد جوان هم می‌گفت این‌ها باعث تخدیر خانواده است. اشکان خطیبی هم با همان موهای فرفری و بدون آنکه بداند چندسال بعد چه مسیری را طی می‌کند، مقابل طادی نشسته بود، طادی از او پرسید شما سیاسی نیستید اصلاً؟ خطیبی گفت: «چرا باید سیاسی باشم مگر تحصیلات سیاسی دارم؟!» در جای دیگری خطیبی از طادی پرسید: «ما چند شبکه داریم در تلویزیون؟ ۷ تا؟» طادی گفت: «۱۹ تا شبکه داریم.» خطیبی گفت: «۱۹ تا همین‌ها را آدم بخواد بالا و پایین کند یک روز طول می‌کشسد، دیگر چه برسد بخواد ماهواره هم ببیند.» خطیبی بعد درباره مضرات ماهواره صحبت می‌کند که وقت آدم را می‌گیرد. شهره سلطانی، نظریه، جوان، تهامی، مرحومه طاهرپور و مرحوم معلم هم پنبه منوآت را زدند. آن زمان شبکه‌های فارسی‌زبان هنوز جرئت نداشتند تندو تیز سراغ ایران روند. آن موقع‌ها اگر کسی می‌خواست بگوید ما از محتواهای بد ماهواره پرهیز می‌کنیم،



چهارشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۴



شماره ۴۴۳۸



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

پورنوگرافی توحش



ایمان عظیمی

خبرنگار گروه فرهنگ

زمانی که ایران اینترنشنال کارش را شروع کرد آب از لب‌ولوپچه دلدادگان «صنعت حقوق بشر» سرازیر شد. آن‌ها فکر می‌کردند این شبکه قرار است بلندگویی برای احقاق حقوق از دست رفته آنها باشد و جز این هیچ هدفی را دنبال نمی‌کند. «مهرانگیز کار» با «نیوشا صامری» به گفت‌وگو در مورد حقوق خصوصی می‌نشست و مجریان شیک‌پوش، اما بی‌سواد آن مدام از ایران زیبا و طبیعت آن دم می‌زدند. دیری نگذشت که اینترنشنال هم مانند «منوآت» نقاب شبک و پیک انسان‌دوستانه‌اش را کنار زد و ماهیت پلیدش را نشان داد. بگذارید یک‌بار برای همیشه تکلیف این سؤال را مشخص کنیم که تماشای این شبکه تروریستی

چه فایده‌ای دارد؟

قلم به مزدان مشغول در اینترنشنال اکنون در موقعیت بسیار بدی قرار دارند. آنها باید جام‌شکرآنی را که اربابان صهیونیست برایشان تدارک دیده‌اند، بدون هیچ وقفه‌ای سر بکشند چون اگر این کار را نکنند مثل پشه از صحنه رسانه‌های بیگانه تاراندن می‌شوند و باید عموری را به دریوزگی بگذارند. اما خطاب نگارنده متن با مخاطبان این نارسانه تروریستی و متوحش است: اینترنشنال جز پمپاژ نفرت از وضعیت و تحمیق افکار شما هیچ کارکرد دیگری برایتان ندارد که دل خود را به آن خوش کنید. قرار هم نیست با تماشای این شبکه درهای عیش و عشرت به روی‌تان باز شود و خیال کنید که می‌توانید با برافراشته کردن پرچم سفید از گردن دشمنی که دوستش می‌پندارد در امان بمانید. این شبکه اسرائیلی آنقدر روی ذهن شما رژه می‌رود تا عملاً کنترل اوضاع را از دست بدهید و

داخل و خارج را گرفت. با شروع قرن جدید شمسی، منوآت ضعیف شد. دیگر خلافت‌ها به ته رسید و مجری‌های جوانی که گرفته بود حالا پیر شدند. اینترنشنال هم در بازه سال‌های ۹۸ تا ۱۴۰۱، با توجه به رویکرد بی‌پروایش، در میان گروهک‌های ضدایرانی محبوب شدد. اینترنشنال شروع می‌کند و به تجزیه‌طلب‌ها تریبون می‌دهد. با این حال هیچ کدام از این اتفاقات تا قبل از ۱۸ اسفند ۱۴۰۱ آنقدری عجیب نیست. ۱۸ اسفند ۱۴۰۱ ایران اینترنشنال یک گفت‌وگوی ۲۵ دقیقه منتشر می‌کند. یک‌سوی میز پوری زراعتی‌ست و گوشه دیگر میز یکی از منفورترین چهره‌های سیاسی در جهان. کسی که بارها عکسش زیر پای خاورمیانه‌ای‌ها رفته. کسی که در کشورش هم چندان محبوب نیست؛ بنامین نتانیاهو. با این اتفاق اینترنشنال دست به کاری می‌زند که تاکنون هیچ رسانه ضدایرانی‌ای به آن دست نزده. گفت‌وگو با کسی که دستور مستقیم ترور در ایران داده و دشمن مستقیم محسوب می‌شود. نسبت به این کار اینترنشنال بسیاری انتقاد می‌کنند، برخی‌ها که حامی زرّآ هستند حتی چنین گفت‌وگوهایی را به انحراف کشیدن مسیر حرکت‌های سیاسی ششان می‌دانند. با این حال اینترنشنال دست بردار نیست. دوسال و چندماه بعد اسرائیل به ایران هجوم می‌آورد. هشت سالی از تأسیس اینترنشنال گذشته. این شبکه دفتر و دستکش را بعد از عقب کشیدن سعودی‌ها از آن به تل آویو انتقال داده و نهایت آنچه را یک شبکه فارسی‌زبان می‌توانسته انجام دهد، انجام داد. با این همه برای مزدور حد یقنی وجود ندارد. زراعتی درست چند روز پس از هجوم رژیم صهیونی به ایران اسلامی دوباره با نتانیاهو گفت‌وگو می‌کند، حالا او با افتخار در بیوی اینستگرامش هم نوشته ساکن تل آویو. همه چیز در رادیکال‌ترین شکل ممکنش در حال رخ دادن است. به شکل مشخصی بی‌بی‌سی هم جرئت ندارد تا این حد واکتش صریح بگیرد، حتی وی او ای هم. بی‌بی‌سی صرفاً به این که مقصر ایران است بسنده می‌کند؛ اما اینترنشنال یکی یکی قلعه‌های ضدیت با ایران را فتح می‌کند.

۱۳ سال قبل وقتی کسی از یک مجری بی‌بی‌سی با منوآت یا حتی وی‌اوای می‌پرسید که شما به کجا متصلید، او خیلی با افتخار می‌گفت من مستقیم و اگر جیره و مواجب هم از جایی می‌گیرم در رویکرد مستقیم اثری ندارد. با این حال اینترنشنال مراه‌های پروپاگاندا رقوم‌دار کرده است. این شبکه دیگر مستقیماً به اسرائیل یا حتی به‌طور دقیق‌تر به نتانیاهو مربوط است زیر کانال‌های ۱۲ و ۱۴

توانید در زمان مناسب عکس‌العمل درست و به‌موقعی در قبال شرایط و اتفاقات پیراموتان از خود بروز دهید. از طرف دیگر باید این را نیز به خاطر آورد که «اسرائیل اینترنشنال» در مواجهه با اخبار بد، مانند فیلم‌های رده زنگسالان عمل می‌کند. یعنی محرک‌های حسسی مخاطبانش را تا حدی مورد تحریک قرار می‌دهد که یا به غم و خشم بسیار یا با شادی هیستریک به استقبال وقایع بروند و با مصرف حداکثری آن، خود را به‌طور کامل در اختیار دشمنی که نمی‌شناسند و مثل آنها ساختار ذهنی ساده و خطای اثر ندارد، قرار دهند. درواقع مخاطب هدف اینترنشنسال در وادی عمل، آدم «انجام‌دادن» و به «فعلیت رساندن» اهداف دشمن صهیونی نیست، چون کسی که مسخ شیظت‌های اهریمن شود در تدافعی‌ترین حالت ممکن تنها یک مصرف‌کننده صرف باقی می‌ماند.

اینکه بگویم اینترنشنسال خان و پادوهای آن مزدور غربند، تمام آنچه که باید را در برابر آنها به کار نبسته و نگفته‌ایم. آن‌ها فقط خائن به وطن نیستند، بلکه سرسپرده شیطانند و بی‌هیچ شکی به‌خاطر نفرت کورشان علیه نظام جمهوری اسلامی قصد دارند از مردم این مُلک قهرمان‌پرور قربانی بگیرند. مگر می‌شود نان این مکتلت را خورد، در ایران بزرگ شد، تشکیل خانواده کرد، دار و کاسبی راه انداخت، اما خواهان نابودی آن نیز بود؟ بله می‌شود. ولی فردی که این کار را انجام می‌دهد پیش از هرچیز از قالب انسانی خویش خارج می‌شود و لقب حیوان انسان‌نما به خود می‌گیرد. پس تا دیر نشده و حق‌الناس بیشتر از به گردنتان نیفتاده تحلیل‌های دورقانی ناتحلیل‌گران اینترنشنال یک‌قرانی را با حلف این شبکه از گیرنده‌های خانگی و بلاک کردن آن از شبکه‌های اجتماعی آغاز کنید و به پوش بایکوت پورنوگرافی توحش، ملحق شوید.

محتوای این رسانه به زبان دیگری ترجمه شود، مخاطب فکر می‌کند با یک رسانه به شدت متعصب و دست‌راستی اسرائیلی طرف است. در واقع اینترنشالی‌ها از برخی اسرائیلی‌ها هم در اسرائیلی بودن پیشی گرفته‌اند. می‌توان چندین و چند مورد دیگر را به این یادداشت اضافه کرد؛ چراکه جنگ روانی اسرائیل علیه مردم ایران بسیار گسترده و پیچیده است. با این حال اطمینان دارم مردم ایران- خاص‌ترین مردم جهان- از سسد این جنگ همه‌جانبه و ترکیبی نیز با سربلندی عبور خواهند کرد. نتانیاهو در مصاحبه‌های دیروزش ایران را به حمله اتمی و ترور رهبر انقلاب تهدید کرد، اما بعد از این‌ها از «مردم» خواست برای ضربه نهایی به خیابان بیایند. دقت کنید چقدر همبستگی، ایستادگی و اقتدار مردم ایران در چشم این حرامیان بزرگ است که حتی حمله اتمی و ترور رهبر انقلاب را هم در مقابل آن بی‌نتیجه می‌بینند. به همین دلیل ایرانیان لازم است برای حفظ همبستگی ملی که حصن حصین ایران است، از رسانه‌هایی مثل اینترنشنال دوری کنند و روان عزیزان و دوستانشان را از شر تروریست‌های رسانه‌ای دور نگه دارند.

تروریست‌های روان ایرانیان را تحریم کنیم



محمد قربانی

منتقد

دشمن بزرگ‌ترین سد پیش روی خود را همبستگی و اتحاد مردم ایران می‌بیند و سخت در تلاش است با فتح روان ایرانیان-در جنگی که هیچ شانسی برای پیروزی در آن ندارد- پیروز شود. در این بین رسانه‌هایی مثل اینترنشنال همان نقشی را برای نتانیاهو بازی می‌کنند که رادیو بغداد برای صدام ایفا می‌کرد. این که می‌گوئیم اینترنشنال بازوی رسانه‌ای اسرائیل است، ادعایی احساسی نیست. کافی است به پروتکل‌های موساد و کتب جاسوسان سابق آن نگاهی بیندازیم و آن را با عملکرد اینترنشنال در این روزها تطبیق دهیم. اینترنشنال آن‌قدر دقیق مطابق پروتکل‌های جنگ روانی عمل می‌کند که گویی یک افسسر عالی‌رتبه موساد آن را فرامدهی می‌کند.

بیاپید چند تاکتیک عملیات جنگ روانی ایران اینترنشنال را مرور کنیم:

۱- بحران‌سازی با انتشار اخبار دروغ:

غیر از ویدئوها و گزارش‌هایی که بدون تأیید منابع موثق توسط اینترنشنال درباره انفجارها و عملیات‌های نظامی دشمن منتشر می‌شود، اخبار کذب بی‌شماری درباره شرایط بحرانی شهرهای ایران از این رسانه به گوش می‌رسد که هدفی جز به هم ریختن روانی مردم ندارد. جریبندی شدن نان، قطع شدن اینترنت، از کار افتادن عابر بانک‌ها، توقف فعالیت پمپ‌بنزین‌ها و... اخباری از این دستند که می‌خواهند با هیجانی کردن وضعیت، اتفاقاً پستر ایجاد چنین بحران‌هایی را مهیا کنند.

۲- برجسته‌سازی شکاف‌ها و اختلافات:

دشمن با توجه به وطن‌پرستی بی‌ظنیر ایرانیان، نیاز مبرمی به تولید حس بیگانگی در آن‌ها دارد. به همین دلیل حساب ویژه‌ای روی فعال کردن گسسل‌های مذهبی، قومیتی و اجتماعی باز کرده است. اینترنشنال با گنجاندن جملاتی نظیر «این جنگ، جنگ مردم نیست» در گزارش‌ها و مصاحبه‌ها گزینشی‌اش، سعی می‌کند صف یکدست مردم ایران را خلصوت کند. تاکتیکی که دقیقاً همان تاکتیک «تقسیم و تخریب

اجتماعی» موساد است که بارها در سوریه، لبنان، مصر، لیبی و... به کار گرفته شده است.

۳- سلاح‌سازی اطلاعات علمی:

این از آن تاکتیک‌هایی است که فقط از صهیونیست جماعت برم‌ی‌آید. اینترنشنال در اثانی جنگ برخی مطالب علمی را منتشر می‌کند که ارتباط مستقیمی با جنگ ندارند، اما غیر مستقیم ایجاد اضطراب می‌کنند، مثلاً اینترنشنال در این روزها مطالب و گزارش‌های تصویری و نوشتاری با این عناوین منتشر کرده است: «اگر شبکه بانکی قطع شد چه کنیم؟»، «چگونه در شرایط بحرانی غذا ذخیره کنیم» و... و این مطالب با نقاب بشردوستی، تصویر هولناکی از آینده در نظر مخاطب ترسیم می‌کند و روانش را ترور می‌کند.

۴- بازتاب یک‌جانبه جنگ:

با اینکه از الجزیره گرفته تا رسانه‌های جریان اصلی غربی، همه جا پر شده از تصاویر ویرانی تل آویو و حيفا و...، هیچ فیلم و عکسی از سرزمین‌های اشغالی در این رسانه پخش نمی‌شود. به‌شکلی که اگر همه

ریشه‌هایش خبر داریم و در بزنگاه‌ها کثافتش را دیده‌ایم.

این روزها با وضوح بیشتری مشخص شده که این رسانه، دیگر فقط یک شبکه تلویزیونی نیست. بخشی از ماشین جنگی اسرائیل است. نقش آن، تخریب امید، تضعیف اعتماد عمومی، تقلیل حقیقت و بزرگ‌نمایی شکست‌هاست. با روایت‌سازی فوری، با استفاده از چهره‌های آشنا، با قلب واقعیت‌ها و ادبیاتی که از نظر روانی طوری طراحی شده تا مخاطب را خسته و مضطرب کند. اینجادرست رسانه‌گریزی نیست. مسئله امنیت ملی است. همان‌طور که در زمان جنگ جهانی دوم، رُژ لب تبدیل به سلاحی نمادین برای مقاومت شد و حسایی رویش موج‌سواری کردند، کشیدن یک خط قرمز روی رسانه تصویری باید به بخشی از مقاومت هوشمندانه ما بدل شود. نه برای حذف صداها‌ی مخالف، بلکه برای بستن درهای نفوذ رسانه‌ای دشمن.

ممکن است پرسند: آیا این رسانه هیچ حرف راستی نمی‌زند؟ آیا نمی‌توان از میان محتواهایش، مطالب مفید بیرون کشید و دست‌کم رصدش کرد؟ پاسخ این است که در زمان جنگ، رسانه دشمن باهوش

است؛ درست از لابه‌لای حرف‌هایی که شاید معقول هم به نظر برسد، روایت‌های مسموم پخش می‌کند. مخاطب امروز باید بداند که حتی شوخی با محتوای آن، یا بازنشر یک ویدئوی ظاهراً بی‌ضرر، یعنی کمک به زنده‌ماندن شبکه‌ای که کارویژه‌اش ضرب‌هزده به انسجام ملی‌ماست. آن هم در بزنگاه‌ها. باید دانست این رسانه‌ها برای همین روزها ساخته شده‌اند و نیروهایش برای همین شرایط تربیت شده‌اند. ما چه؟ نحوه مصرف این رسانه‌ها را بلدیم؟

بی‌تفاوتی در برابر رسانه‌ای که در طرف دشمن ایستاده، همدستی‌ناخواسته است. سکوت در برابر دروغ‌هایی بزک‌شده، کشنده‌تر از خود جنگ است. این رسانه باید از چشم‌پیفند، بی‌اعتبار شود از مدار اثرگذاری خارج شود. بایکوت، تصمیمی ساده است؛ اما اثری بزرگ دارد. بایکوت، یعنی آگاه‌کردن اطرافیان، ترک‌کردن عادت مراجعه به این اخبار و این شبکه و جایگزین کردن منابع خبری معتبر داخلی و مهم‌تر از همه، ندادن خوراک روانی به جنگ‌افزار دشمن.

در زمان جنگ، بی‌طرفی توهم است. ما یا در جبهه دفاع هستیم، یا حتی بی‌آنکه بخواهیم، سوخت‌رسان ماشین تبلیغاتی دشمن.